

Iran, the hotbed of Germany, in the First World War (1918-1914 AD/1297-  
1293 AD), analyzing the presence of Germans with the approach of  
influence theory

Mohammad Pouzesh<sup>1</sup> | Mehdi Goljan<sup>2</sup> | Mohammad Kalhor<sup>3</sup>

(DOI): [10.22034/MTE.2022.12928.1599](https://doi.org/10.22034/MTE.2022.12928.1599)

Abstract

Original Article

P 7 - 28

The outbreak of the First World War between Western countries affected different countries of the world. Iran, like some other countries, could not stay away from the effects of this war, and this conflict had many consequences for Iran, the most important of which was the German influence in Iran, which was able to drastically change and transform the course of Iran's contemporary history. The problem of this research is to investigate the influence of Germany and the manner of this influence in Iran. To investigate this issue, the research question is, what was the way or factors of German influence in Iran? Relying on the theory of influence, it can be hypothesized that Germany has tried to influence many aspects of Iranian society through different methods. In this process, political and military factors had the most use and influence in expanding German influence in Iran. This research aims to answer the question posed and understand the factors affecting the influence of Germany in Iran in the first world war in the library method and relying on the historical research method, i.e., descriptive-analytical.

**Key words:** Germany, Iran, World War I, Qajar, influence theory.

1 - Ph.D. student, Department of History, Imam Khomeini Memorial Unit, Shahr Rey, Islamic Azad University, Tehran, Iran. [mohammad\\_pozesh@yahoo.com](mailto:mohammad_pozesh@yahoo.com)

2 - Assistant Professor, Department of History, Imam Khomeini Memorial Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. [m.goljan12@yahoo.com](mailto:m.goljan12@yahoo.com)

3 - Assistant Professor, Department of History, Memorial Unit of Imam Khomeini, Islamic Azad University, Tehran, Iran [kalhor.mohammad72@gmail.com](mailto:kalhor.mohammad72@gmail.com)

Received: 2022/01/31 | Accepted: 2022/06/16



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

## ایران جولان گاه آلمان، در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ م / ۱۲۹۷ - ۱۲۹۳ ش) واکاوی حضور آلمانی‌ها با رویکرد نظریه نفوذ

محمد پوزش<sup>۱</sup> | مهدی گلجان (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup> | محمد کلهر<sup>۳</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2022.12928.1599](https://doi.org/10.22034/MTE.2022.12928.1599)

علمی - پژوهشی

ص: ۲۸/۷

### چکیده

وقوع جنگ جهانی اول، بین دولت‌های مغرب زمین، کشورهای مختلف دنیا را متاثر کرد. ایران نیز چون برخی از دیگر کشورها، نتوانست، از تاثیرات این جنگ برکنار بماند و این نزاع پیامدهای متعددی را برای ایران به همراه داشت، که از جمله مهم‌ترین آن‌ها نفوذ آلمانی‌ها در ایران بود، که نتوانست، مسیر تاریخ معاصر ایران را به شدت دست‌خوش تغییر و تحول کند. مساله این پژوهش بررسی نفوذ آلمان و نحوه‌ی این نفوذ در ایران است. برای بررسی این مساله سوال پژوهش این است که راه و یا عوامل نفوذ آلمان در ایران چه بوده است؟ با اتکا بر نظریه نفوذ می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که آلمان سعی داشته است، از روش‌های مختلف بر ابعاد متعدد جامعه ایران تاثیر بگذارد. در این روند عوامل سیاسی و نظامی دارای بیش‌ترین کاربرد و تاثیر در گسترش نفوذ آلمان در ایران بودند. این پژوهش به شیوه کتاب‌خانه‌ای و با تکیه بر روش تحقیقات تاریخی یعنی، توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به سوال مطرح شده و درک عوامل موثر بر نفوذ آلمان در جنگ جهانی اول در ایران است.

**واژگان کلیدی:** آلمان، ایران، جنگ جهانی اول، قاجاریه، نظریه نفوذ.

۱ - دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mohammad\_pozesh@yahoo.com

۲ - استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m.goljan12@yahoo.com

۳ - استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. kalhor.mohammad72@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶



## مقدمه

ضربات استعمارگران به ایران و سایر کشورها، موجب گسترش اندیشه ناسیونالیسم، باز شدن فضای باز سیاسی، گسترش شورش‌ها در میان اقلیت‌ها، بیداری نسبی در جامعه گردید. حکومت ایران برای جبران شکست‌های خود در جست‌وجوی متحدی از مرزهای غرب ایران برای جبران ضربات خود از طرف استعمارگران کهنه کار به‌خصوص، روسیه و انگلیس برآمد. (ZiyaKaral, 1962: 164 - 165) در این میان کشور آلمان تنها کشوری بود که تازه وارد گروه استعمارگران شده و سهم قابل قبولی از استعمار را در دست نداشت. به‌خصوص، در منطقه خاورمیانه که نقش دروازه شرق را داشت، کشف نفت ارزش منطقه را چند برابر کرده بود. بنابراین، آلمان خیلی زود درصدد نزدیکی با کشورهای مطرح خاورمیانه نظیر ایران برای پیدا کردن جای پای در مقابل استعمارگران کهنه کار به‌خصوص انگلیس برآمد. با شروع جنگ جهانی اول، به علت برخورد منافع سلطه‌گران کهنه کار و تازه، دو گروه محور و متفقین در مقابل هم قرار گرفتند. آلمان با اعزام هیئت‌های نظامی و سیاسی به منطقه در صدد مسدود کردن راه انگلیس در شرق بود.

نفوذ آلمان در ایران اگرچه در ابتدا تابع اتحاد آلمان و عثمانی و استفاده از ایران به‌عنوان پلی برای عبور به سمت افغانستان بود؛ اما پس از تغییر تصمیمات سیاسی آلمان و نفوذ به افغانستان، ایران و چگونگی نفوذ در آن به یک‌باره در نظر آلمانی‌ها تغییر کرد و این کشور به‌عنوان مرکز ثقل برنامه‌های سیاسی و نظامی آلمان مورد توجه قرار گرفت. از این پس بود که ماموران و جاسوسان آلمانی راهی ایران شدند و جهت نیل به اهداف خود؛ تلاش‌های گسترده‌ای در ایران آغاز کردند. از اوایل قرن بیستم آلمان قاطعانه در پی نفوذ به خاورمیانه بود. از این‌رو، سیاستی در پیش گرفت که انگلستان و روسیه را به وحشت انداخت. ایرانیان از این‌که می‌دیدند آلمان با روس و انگلیس وارد جنگ شد، راضی بودند؛ چرا که به دلیل پیشینه پر فراز و فرود شان با انگلیس و روسیه پیروزی آلمان برای آن‌ها همانند پیروزی خود شان تلقی می‌شد و با شکست روسیه و انگلیس ایران نیز از قید نفوذ سیاسی آن‌ها آزاد می‌گشت. سیاست مداران آلمانی نیز که از این احساسات و نظرات آگاه بودند، فعالیت‌های خود را در ایران گسترش دادند و در زمان جنگ نیز توانستند، به نفوذ بیش‌تری در میان مردم و روشن‌فکران برسند.

## ۱. پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر نه از حیث رویکرد و روش و نه از حیث موضوع، در تحقیقات دانشگاهی به زبان فارسی نمونه‌ای ندارد. در جست‌وجوهای انجام شده در خصوص نظریه نفوذ می‌توان به کتاب «مبانی

تحلیل سیاست بین‌الملل» از کی. جی هالستی، ترجمه، بهرام مستقیمی، مسعود طارم سری اشاره داشت. اثر فوق در خصوص مبانی نظری پژوهش کاربرد دارد. در خصوص روابط ایران و آلمان در جنگ جهانی اول، هم می‌توان به کتاب‌های نظیر «روابط ایران و آلمان در جنگ جهانی اول» از معصومه ارباب و نیز کتاب «آلمانی‌ها در ایران: نگاهی به تحولات ایران در جنگ جهانی اول بر اساس منابع دیپلماتیک فرانسه» از الیور باست، ترجمه، حسین بنی احمد، اشاره کرد؛ اما هر دو کتاب و کتاب‌های مشابه همه، فاقد بهره‌گیری از مبانی نظری نظریه نفوذ هستند که این امر جنبه نوآوری اثر حاضر به شمار می‌رود.

با این حال پژوهش‌های دیگری در قالب پایان نامه، مقاله و کتاب صورت پذیرفته‌اند که به روابط ایران و آلمان در طی جنگ جهانی اول و دوم و دوران پهلوی نگاه داشته‌اند و این روابط را از دید سیاسی، نظامی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی واکاوی کرده‌اند. پور علی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان تاثیر نگرش‌های سیاسی و فکری آلمان بر ایران در جنگ جهانی اول به بررسی تاثیرات حضور آلمان بر روشن‌فکران و جنبش‌های داخلی ایران پرداخته است وی در کارش بیش‌تر به توصیف این جنبش‌ها اکتفا کرده و چهارچوبی نظری برای کارش نداشته است. دهبندی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود مناسبات فرهنگی و اقتصادی ایران و آلمان در عصر پهلوی اول، به روابط ایران و آلمان در عصر پهلوی اول و آن هم با تکیه بر بعد اقتصادی و فرهنگی پیش رفته و این کار نیز از حد توصیف فراتر نرفته است. حتی آفرین دخت سیستانی نیز در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان روابط فرهنگی ایران و آلمان در عصر رضا شاه با تکیه بر اندیشه باستان‌گرایی نتوانسته بیش‌تر از متغییری برای سنجش راه ارتباط ایران و آلمان فراتر رفته و این متغییر مشترک را در راستای پیش‌برد نفوذ آلمان در ایران ارزیابی کند.

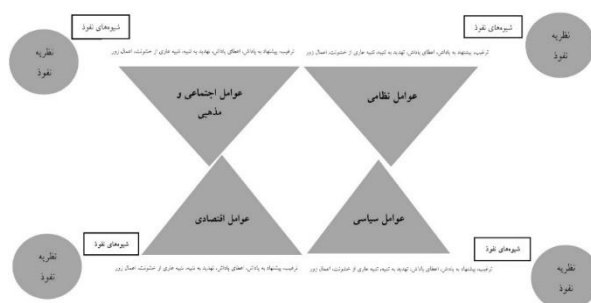
## ۲. چارچوب نظری

نقطه عطف چارچوب نظری این تحقیق رویکرد نفوذ در ایران و انواع شیوه‌های نفوذ است. منطقه نفوذ در سرنوشت سیاسی و اقتصادی یک قدرت بزرگ بسیار مهم است. قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای، معمولاً بخش مهمی از قدرت شان را از این مناطق به دست می‌آورند. «نفوذ اجتماعی» در لغت به معنای تأید، اعتبار، برتری و تفوق آمده است (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۶۹: ذیل واژه) در اصطلاح سیاسی و اجتماعی، نفوذ به معنای راه یافتن نهایی در گروهی یا جایی به‌منظور هدفی است. این هدف شامل تاثیر گذاشتن، ضربه زدن، قدرت یابی، اعتباریابی، اطلاعات‌گیری و مانند آن انجام می‌گیرد. نفوذ در اصطلاحات اجتماعی و سیاسی، به معنای مفهوم لغوی خود، یعنی

رخنه و نفوذ در افکار عقاید و اثر بخشیدن و ایجاد تغییر به منظور اهداف نفوذ کننده به کار می‌رود. بنابراین، افراد نفوذ کننده باید از مقبولیت و محبوبیت اجتماعی زیادی برخوردار باشند، تا بتوانند در جامعه تاثیرگذار باشند و افراد جامعه از آنان پیروی کنند و اعمال و رفتار خود را مطابق آنان سازند. نفوذ در اصطلاح اجتماعی و سیاسی نیز به فرایندی از روندها اطلاق می‌شود که به موجب آن‌ها، افراد از روابط سطحی به روابط صمیمانه پیش می‌روند. گاهی هم به اعمال قدرت اجتماعی، افراد با گروه‌ها، برای تغییر نگرش‌ها، رفتار دیگران تعبیر می‌شود. نفوذ اجتماعی - سیاسی، دارای پیامدهای رفتاری پذیرش، اطاعت و هم‌رنگی است. (فولادی، ۱۳۹۶: ۵۸)

راه کارهای عملی سیاست بین الملل زمانی جلوه‌ی بیرونی و عمل‌گرای خویش را آشکار می‌سازد که تلاش‌های یک دولت یا حکومت معطوف به تغییر رفتار دیگر دولت‌ها به شکل دل‌خواه شود. در این روند پیش از بهره‌گیری از اشکال سخت، خشن یا تهاجمی دولت‌ها ابتدا راه نفوذ نرم را در پیش می‌گیرند. تا زمانی که نتایج به دست آمده از اعمال نرم و مسالمت‌آمیز با نتایج اعمال زور و قدرت برابری می‌کند، طبیعی است که با روند پنهان‌تر و ملایم‌تر این نفوذ و روند تحمیل علاقه صورت گیرد؛ زیرا اعمال قهری علاوه بر هزینه‌بر بودن، شکل نامناسبی در وجهه‌ی اجتماعی و آرایه چهره‌ی صلح طلب کشورها و دولت‌ها دارد. با این حال مواردی هستند، که دستیابی به یک هدف از طریق نفوذ میسر نیست و لازم است از نیروی زور بهره گرفته شود به‌ویژه هنگامی که سیاست دو کشور همسو نیست و یکی می‌خواهد دیگری را به تغییر مهمی در سیاست خود وادارد.

برای نفوذ و اعمال سلیقه در راهبرد سیاست کشورها، راه‌های گوناگونی قابل طرح است مثلاً ایجاد تغییر در قراردادها و مفاد آن، ایجاد تغییر در قرارداد با کشور ثالث؛ اما مرتبط به سیاست و ارتباط میان دو کشور، برقراری ارتباطات بازرگانی و بستن معاهدات تجاری، اقدام به تاسیس گروه‌های برانداز داخلی، فعالیت‌های نظامی پنهان با آشکار در مناطق نزدیک به کشور یا داخل کشور. این موارد بخشی از فعالیت‌هایی است که کشوری در راستای پیش‌برد منافع خود در کشور دیگر انجام می‌دهد. این شیوه‌ها از یک سو به تشویق و تطمیع توصل می‌جوید و از سوی دیگر، از ابزار زور و تهدید استفاده می‌نمایند. شیوه‌هایی که در این مقاله مورد توجه بوده‌اند: ترغیب، پیشنهاد به پاداش، اعطای پاداش، تهدید به تنبیه، تنبیه‌های عاری از خشونت و اعمال زور، هستند.



## ۱. شیوه نفوذ ترغیب در ایران

در این نوشتار، مفهوم ترغیب به عنوان دادن پیشنهاد مستقیم و قانونی یا کوشش‌های مسالمت‌آمیز در راستای پیش برد هدفی خاص بدون ابراز امکان امتیاز یا تهدید است. دو طرف، در این نوع شیوه منافع خود را مغایر هم نمی‌بینند و شاید هم انجام آن را متضمن منافی برای آینده‌ی خود در نظر می‌گیرند و بنابراین قبول می‌کند، که با بستن معاهدات قانونی بین‌المللی به اعمال درخواست‌های مطرح شده در معاهده تن دهند؛ یا از انجام آن سرباز زنند، یکی از تلاش‌های آلمان در این زمان تلاش برای انعقاد قرارداد و کشاندن ایران به جنگ علیه متفقین بود. تلاش‌های اصلی آلمانی‌ها برای کشاندن ایران به جنگ، در واقع به شکل موثر و در قالب عملیاتی آشکار و هدفمند از سوی عوامل ستون پنجم آلمان در سراسر ایالات و شهرهای ایران صورت می‌گرفت. اقدامات همه‌جانبه‌ی عوامل آلمانی و نیروهای مردمی طرفدار آن‌ها علیه متفقین و تلاش‌های روحانیون، دموکرات‌ها، ملی‌ها و مطبوعات از یک سو و اقدامات دیپلماتیک مقامات آلمانی در تهران از سوی دیگر، دولت و شاه ایران را برای پیوستن به متحدین ترغیب کرده و زمینه را برای انعقاد یک قرار اتحاد بین ایران و آلمان فراهم کرده بود. آلمانی‌ها معتقد بودند: به علت تبلیغات ماموران آلمانی و هم‌کاری ملی‌های ایرانی، جو مساعدی در ایران به سود آلمان ایجاد گردیده و شاه، رئیس‌الوزرا و اعضای متنفذ دولت، طرفدار الحاق به جبهه آلمان هستند. (گرکه، ۱۳۷۷: ۷۰۶)

شاید بتوان تظاهر به گرایش به اسلام آلمانی‌ها را نیز، در این مورد آورد؛ چرا که عالمان و دیگر مسلمانان را ترغیب به هم‌کاری برای جلب بیش‌تر آلمانی‌ها به اسلام می‌کردند و آلمانی‌ها با شرکت در جلسات روضه‌ها، مراسمات دینی و تعقید به برخی آداب اسلامی توانسته بودند، احساسات مردمی را با خود همراه سازند. آن‌ها توانستند، این تصور را در میان مردم رواج دهند، که دولت آلمان در حمایت از مسلمانان و به‌خاطر آن‌ها با متفقین درگیر جنگ شده است. (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۶۳، ۲) این خبر به اندازه‌ای بر ایرانیان اثر کرده بود که در بازار تهران، کسبه و تجار پس از نماز، برای سلامت امپراتور آلمان دعا می‌کردند و او را بزرگ‌ترین پادشاه جهان اسلام می‌خواندند (نوبی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۳۰۶) شمس‌الذکرین، روضه‌خوان مشهور، پرچمی را با عقاب آلمان و تاج امپراتوری، مزین و موشح به آیات قرآن و احادیث فراوان برای امپراتور آلمان تهیه کرده بود تا در هنگام امضای پیمان صلح، ایران را از یاد نبرد (همان، ۳۳۸) این تلاش‌ها هنگامی رونق بیش‌تری یافت، که با طرح داستان افسانه‌ای و ماهرانه راجع به اسلام دوستی ملت ایران و این‌که آلمانی‌ها و در رأس آنان قیصر ویلهلم دوم به اسلام گرویده‌اند، همراه گردید. (گرانوسکی و دیگران، ۱۳۵۸: ۴۱۰ - ۴۱۱)

آلمانی‌ها از حمایت مرجعیت شیعه و حضور عالمان در برهه‌های مهم تاریخ ایران مثل جنگ‌های ایران و روس، انقلاب مشروطه آگاه بودند و می‌دانستند که حضور و حمایت مرجعیت و نیروهای مذهبی در عرصه‌ی سیاست و اجتماعی موثر است و در حکم مجوز مشروعیت برای شرکت توده‌های مذهبی به شمار می‌رود. فتوای‌های جهادی شور دینی مردم را برانگیخته و باعث حمایت بیش‌تر مردم ایران از آلمانی‌ها در برابر متفقین گردیدند ایران به کانون جنبشی علیه آن‌ها تبدیل شد و آلمانی‌ها را در رسیدن به هدف اصلی‌شان در ایران که همانا کشاندن نیروهای آنان به ایران بود، یاری داد. با پیوستن عثمانی به جنگ، شیخ‌الاسلام‌های عثمانی، فتوای جهاد علیه متفقین را صادر کردند و به دنبال آن چند تن از عالمان و مراجع شیعه مقیم کربلا و نجف هم فتوای‌های مشابهی، مبنی بر ضرورت پیوستن ملت و دولت ایران به برادران مسلمان عثمانی صادر کردند؛ اما اختلافات شیعی و سنی در ایران و همچنین خواست دولت برای حفظ بی‌طرفی، باعث شد، این فتواها کارساز نباشند. البته منطقه سیستان به دلیل شرایط مذهبی به این درخواست عالمان عثمانی واکنش نشان داد. (گرکه، پیشین: ۸۰؛ نجف‌زاده، ۱۳۹۲: ۷) البته فتواها به همین جا ختم نشد، بلکه در زمان اشغال بوشهر توسط انگلستان نیز فتوایی صادر شد که زمینه‌ساز تشدید درگیری‌های نیروهای محلی و مردم جنوب با انگلیسی‌ها و تحریک و بسیج مردم نواحی مختلف ایران علیه آن‌ها گردید. مراجع عتبات نیز با صدور ۵۳ فتوای جهاد، عموم مردم را مکلف به مقابله با متجاوزان به ایران کردند. (کاووسی عراقی، ۱۳۷۶: ۱۰۲-۵۵) این‌گونه آلمان با ترغیب ایرانیان به حفظ ارزش مشترک اسلامی و قرار دادن خودش در صف مسلمانان توانست، بر نظر و عمل آن‌ها نفوذ یابد.

## ۲. شیوه وعده به پاداش آلمان در ایران

این شیوه وضعیتی است، که حکومتی به حکومت مورد نظر پیشنهاداتی ارائه می‌کند، که پذیرفتن آن همراه با امتیازاتی از جانب کشور دیگر و معمولاً قدرت‌مندتر است. این امتیازات در انحای گوناگون و بسته به زمان و مکان متغیرند؛ مثلاً امتیازات مالی، ارایه‌ی وام، کم کردن، تعرفه‌ی گمرگ و واردات به کشور، سهولت در امر صادرات و لغو کردن تحریمات پیشین. یکی از اقدامات آلمان در این زمان که رویکرد پیشنهاد به حمایت و پاداش داشت، بحث جلب حمایت حزب دموکرات بود. در این زمان یکی از زمینه‌های اصلی فعالیت آلمانی‌ها در ایران نفوذ در بین سیاستمداران، نمایندگان مجلس دولت‌مردان و احزاب سیاسی بود؛ زیرا که تصمیمات مهم و اساسی و تعیین جهت سیاست‌های ایران در این زمان یا توسط این افراد یا تحت تاثیر نظرات و دیدگاه‌های آنان اتخاذ می‌گردید، که در دستیابی آلمانی‌ها به مهم‌ترین هدف‌شان؛ یعنی پیوستن ایران به متحدین و ورود ایران به جنگ در کنار آلمانی‌ها نقشی حیاتی

و تعیین کننده داشت. آلمانی‌ها برای نفوذ و تحت تاثیر قرار دادن تمامی گروه‌های مذکور برنامه‌هایی را پیش بینی کرده و اقدامات مقتضی را انجام دادند. حزب دموکرات قدرت‌مندترین گروه سیاسی ایران بود و اکثریت نمایندگان مجلس سوم از طرفداران آن به شمار می‌آمدند. (بهار، ۱۳۲۳: ۱۴)

در تشکیلات سری ایران - آلمان نیز افراد سرشناسی حاضر بودند. این تشکیلات توسط «فن کاردف» آلمانی و با الگوگیری از تشکیلات انقلابی پروس پایه‌گذاری شده بود. اعضای حاضر در این جلسات پس از طی مراحل سخت و دقیق انتخاب می‌شدند و پس از آن ماموریت‌هایی در دربار، مجلس، هیئت دولت و سفارت‌خانه‌های متفقین به عهده شان قرار می‌گرفت. کمیته‌ی اصلی این تشکیلات شامل پنج عضو اصلی بود و برنامه‌های این تشکیلات به صورت یک روز در میان و شب هنگام در مدرسه‌ی ایران - آلمان تشکیل می‌شد. از مهم‌ترین اقدامات دموکرات‌ها که با برنامه‌ریزی و نظارت و حمایت آلمانی‌ها صورت گرفته تشکیل کمیته‌های تبلیغی و سیاسی - نظامی بود که فعالیت‌های این کمیته‌ها بخش مهمی از اهداف آلمانی‌ها در ایران را تحقق می‌بخشید. شاید بتوان پیشنهادات آلمانی‌ها برای ساخت مداری در ایران را نیز ذیل همین مقوله مطرح کرد. (ارباب، ۱۳۹۴: ۵۴)

اصلی‌ترین شعار که ایرانیان هوادار این تشکیلات با تشویق سردسته‌ی آلمانی خود بر آن تاکید داشتند حمایت بی‌قید و شرط آلمان از استقلال و تمامیت ارضی ایران بود. این شعار، آلمان را در مقابل قدرت‌های بزرگ جهانی آن دوره؛ یعنی روسیه و انگلستان قرار می‌داد؛ زیرا ماهیت این دو کشور به عنوان کشورهایی استعمارگر و مخالف حاکمیت داخلی کشورها امری بسیار واضح و آشکار بود. این تشکیلات نیز بر این مسایل دامن زده و باعث می‌شد که ایرانیان به آلمان گرایش بیابند.

از دیگر اقدامات آلمانی‌ها در این دوران که رویکرد پیشنهاد به دریافت پاداش و حمایت داشت، می‌توان به تشکیل کمیته‌های سیاسی - نظامی در اکثر شهرها و ایالات مختلف و در برهه‌های زمانی خاص اشاره کرد. عوامل آلمانی تلاش کردند، تا فعالیت‌های هواداران ایرانی خود را در قالب این تشکل‌ها انسجام بخشیده و از این ابزار، برای ضربه زدن به متفقین استفاده نمایند. مشهورترین تشکل‌ها، کمیته حافظان استقلال بود که توسط «وستروو»<sup>۱</sup> آلمانی و در نتیجه اتحاد با متنفذترین عوامل در شیراز، یعنی دموکرات‌ها و ژاندارمری تشکیل شده بود. این نیرو از تشکیلات فعال کمیته بود و ماژور علی‌قلی خان پسیان در رأس افسران این تشکیلات قرار داشت. (افسر، ۱۳۳۲: ۹۸) این حزب، با حمایت فرماندهی ژاندارمری شیراز شکل گرفت و تنها افراد قابل اطمینان در آن پذیرفته می‌شدند و

<sup>۱</sup> Wustrow



اعضای آن موظف بودند با عالمان، بازرگانان و قشرهای دیگر مردم تماس داشته باشند. از مهم‌ترین اقدامات این کمیته تصرف کنسول‌گری انگلیس، بانک شاهنشاهی و اداره تلگراف هند و اروپا و توقیف کنسول انگلیس اوکانر و اتباع انگلیسی آن در شیراز بود. (گرکه، پیشین: ۲۲۲ - ۲۲۱)

دیگر، جریان مهم این زمان، با رویکرد وعده به پاداش قضیه هم‌کاری با جنبش مهاجرت و تشکیل دولت موقت ملی بود. در جریان شکل‌گیری جنبش مهاجرت و تصمیمات مهم و سرنوشت‌سازی که توسط ایرانیان در پی این حرکت اتخاذ گردید شاهد حضور پرتعداد و فعالیت موثر ماموران آلمانی هستیم. «تدابیر مامورین آلمانی و اثریشی مزید علت گردیده و دموکرات‌ها به انقلاب فکری و عاقبت به قیام حزبی و مهاجرت پیوست.» (بهار، پیشین: ۱۵) نمایندگان مجلس و بخش اعظم سیاسیون ایرانی در تهران با هدایت و حمایت آلمانی‌ها در یک موضع‌گیری علیه بریتانیا و روسیه از پایتخت خارج شدند و با انتقال پایتخت، به تشکیل کمیته دفاع ملی و اندکی بعد دولت پرداختند و به‌صورت علنی، به متفقین اعلان‌جنگ دادند.

آلمانی‌ها، در تشکیل کمیته دفاع ملی در قم نیز نقش مهمی داشتند پرنس رویس با ماموران خود، کنت کانیتس وابسته نظامی و شونمان، کنسول‌یار سفارت در این کمیته فعال بودند و برای تهیه تدارکات دفاعی پول و اسلحه در اختیار آن‌ها قرار می‌دادند. (دیوان بیگی، ۱۳۵۱: ۵) هم‌چنین برای از میان برداشتن اختلافات میان دموکرات‌ها و اعتدالیون، پرنس رویس مذاکراتی با رهبران اعتدالیون آغاز کرد و در نتیجه تلاش‌های او، هیئتی شامل اعتدالیون، دموکرات‌ها و روحانیون تشکیل شد تا به‌منظور نجات وطن و رهایی شاه از دست دشمن عملیاتی را آغاز کنند. (بهار، پیشین: ۱۸ - ۱۷) هنگامی که نقشه شونمان برای نجات شاه از تهران شکست خورد و با هجوم روس‌ها به قم و ساوه مهاجران به کرمانشاه رفتند. مهم‌ترین نقش آلمانی‌ها سازمان‌دهی و تدارک لازم برای جنگ با روس‌ها بود که توسط کانیتس صورت می‌گرفت. در این زمان ویلهلم لیتن به بغداد رفته و با هزار تفنگ و صد هزار فشنگ به ایران برگشت تا در مراحل بعدی علیه متفقین مورد استفاده قرار گیرند. (لیتن، ۱۳۶۷: ۳۰۳ - ۲۹۵)

یکی دیگر، از اقدامات آلمانی‌ها در زمینه‌ی وعده به پاداش به‌کارگیری نیروهای ژاندارمری بود. چون آلمانی‌ها امکان اعزام نیروی نظامی به ایران نداشتند. پس تلاش کردند، تا با زیرکی و در نهایت دقت از طریق تامین مالی و هدایت احساسات ملی‌گرایانه، از نیروی نظامی ایران برای تحقق اهداف شان استفاده کنند. پس از این‌که تماس‌ها و مذاکرات آلمانی‌ها نتیجه داد و پس از تغییر ریاست این نیرو به سرگرد ادوال، موفق به جذب این نیرو شدند. (فائم مقامی، ۱۳۵۵: ۱۳۲۶) در ابتدای جنگ، ژاندارمری روابط خود را با بریتانیا قطع کرد و در نتیجه به همراه دموکرات‌ها به‌طرف اتحاد با آلمان

کشیده شد. آلمانی‌ها توانستند، از ژاندارمری، علی‌رغم آن‌که تحت فشار بریتانیا به دولت ایران و فرمان‌های متعدد برای جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی قرار داشت، به‌عنوان حامی قدرت‌مند هیئت‌های آلمانی، نظیر زوگمایر،<sup>۱</sup> گریزینگر<sup>۲</sup> و نیدرمایر،<sup>۳</sup> در مسیر حرکت به افغانستان استفاده کنند. همچنین واسموس،<sup>۴</sup> توانست، از کمک‌ها و حمایت‌های این نیرو در مسیر جلب حمایت ایالات مناطق ساحلی خلیج فارس علیه انگلیسی‌ها بهره‌مند شود. افسران ژاندارمری، چه سوئدی و چه ایرانی، به نفع قدرت‌های محور، دست به تبلیغات ملی‌گرایانه می‌زدند و رؤسای محلی را به تدارک پیش‌روی به‌سوی بوشهر، پایگاه اصلی بریتانیایی‌ها در خلیج فارس، ترغیب می‌کردند. (اتابکی، ۱۳۸۷: ۹۰)

ژاندارمری در جریان مهاجرت نیز، در سازمان‌دهی این خروج دسته جمعی، نقش مهمی ایفا کرد. با پیش‌روی روس‌ها به سمت تهران، ژاندارم‌ها وسایل ترابری فراهم کردند، به آلمانی‌ها کمک کردند، تا سلاح‌ها و مهمات شان را انتقال دهند و به خروج حدود دویست اسیر جنگی فراری اتریشی یاری رساندند. شبکه تلفن را در دست گرفتند، تمام گاری‌های حامل آذوقه و حیوانات بارکش را در اختیار گرفتند. تمام ایستگاه‌های عوارضی در جاده منتهی به قم به اشغال ژاندارمری درآمد و آن‌ها عوارض را وصول می‌کردند. (اتابکی، پیشین: ۹۰)

### ۳. شیوه اعطای پاداش آلمان در ایران

ممکن است حکومتی اصرار داشته باشد، که در کشوری قدرت کامل را تصاحب کند. در این صورت حکومت به تمام زیر دستان خود (مستقیم و غیر مستقیم) پاداش اعطا می‌کند، که این پاداش شامل کمک‌های مالی و حمایتی می‌شود. گاهی این امر توسط دولت مقابل با مخالفت‌های شدیدی رو به‌رو شده و تنها در صورتی که دیگر نشانه‌ای از اراده پاداش‌ها نباشد، توافق صورت می‌گیرد. آلمانی‌ها هم از این سیاست استفاده کرده و به‌صورت مخفیانه به تجار ایرانی در خارج پول می‌دادند و تجار ایرانی هم در ایران پول رایج را به کار گزاران آلمانی تحویل می‌دادند. آشکار شدن این مساله باعث ترتیب دادن لیستی از شرکت‌ها و تجارت‌خانه‌های ایرانی که در این زمینه با آلمانی‌ها هم‌کاری می‌کردند، توسط انگلیسی‌ها شد و دارایی‌های آن‌ها در خارج از ایران مصادره گردید. (اتحادیه، ۱۳۵۵: ۴۳ - ۳۱)

آلمانی‌ها، برای هماهنگ کردن فعالیت‌های تبلیغی ضد متفقین، کمیته‌های مختلفی در

1. Zuckmayer

2. Griesinger

3. Niedermeyer

4. Wilhelm Wasmus

مکان‌های مختلف تشکیل داده بودند. این تشکیلات معمولاً از افراد ملی‌گرای داخل کشور بهره می‌برد ظهور این کمیته‌ها با اوج نفوذ آلمان در ایران یعنی تابستان (۱۹۱۹ م / ۱۳۳۳ ق) هم‌زمان بود و با از میان رفتن این نفوذ کاملاً از صحنه سیاسی ناپدید شدند و تا زمانی که جریان پول آلمان قطع نشده بود، کمیته‌ها به نحوی اثربخش عمل می‌کردند. (سفیری، ۱۳۶۴: ۴۷؛ ایچلینسکا، ۱۳۸۲: ۶۵۸)

کمیته ملی‌ها، عده‌ای را به ایران فرستاد، تا عملاً در راه آزادی ایران فعالیت کنند. هدف، تماس با رؤسای حزب دموکرات در تهران، هم‌کاری نزدیک با مامورین آلمانی در منطقه غرب و تحریک و تشویق ایلات به مبارزه با قوای روس و انگلیس بود. این ماموریت یک سال و چند ماه طول کشید و گاهی جنبه‌های نظامی و جنگی به خود می‌گرفت. در چهارچوب این سیاست‌ها، اعضای کمیته برلین دست به اقداماتی زدند که از این میان می‌توان به تشکیل اتحادیه‌های عشایری و بعدها هم‌کاری با دولت موقت کرمانشاه اشاره کرد. تأمین هزینه‌های مالی کلیه فعالیت‌های کمیته‌ها بر عهده آلمانی‌ها بود. تقی‌زاده می‌گوید: «آلمانی‌ها به‌لحاظ هزینه هیچ مضایقه نداشتند و پول به سهولت می‌دادند.» (تقی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۶۴)

کمیته هم‌چنین می‌بایستی به هیئت‌هایی که از آلمان برای ایجاد شورش به افغانستان و هندوستان می‌رفتند هنگام عبور از ایران کمک می‌کرد؛ آشفتگی وضعیت داخلی ایران در زمان جنگ خطرناک و مشکل‌آفرین بود و همین امر حضور افراد ایرانی موافق با اهداف متحدین را ضروری نشان می‌داد. (نوذری گرمه‌خانی و تنها تن ناصری، ۱۳۹۱: ۱۹۰)

آلمانی‌ها، با توجه به شناخت دقیق و صحیح از سابقه تاریخی ایلات و عشایر و حضور موثر و تعیین‌کننده‌ی آنان در صحنه‌های سیاسی ایران، این نیرو را به یکی از کانون‌های اصلی توجه عوامل آلمانی در جنگ جهانی اول تبدیل کرد. آلمانی‌ها تلاش‌های خود را برای ایجاد رابطه با سران ایلات و عشایر، سال‌ها قبل از شروع جنگ جهانی اول آغاز کرده بودند و پس از آغاز جنگ در نتیجه‌ی تلاش‌های همه‌جانبه، موفق به گسترش این روابط شده و توانستند، از نیروی آنان در مسیر نیل به مقاصدشان بهره‌برداری نمایند. آلمانی‌ها حتی توانستند، قبایلی را که به‌طور سنتی از قدیم‌الایام جزو متحدان انگلستان به‌شمار می‌آمدند، به سمت خود متمایل کرده و علیه متفقین، حاضر به هم‌کاری با تشکیلات آلمان نمایند. آن‌ها حتی موفق شدند در نسل دوم قبایل شکاف ایجاد کنند و فرزندان سران قبایلی که پیش از این به انگلستان یا روسیه وفادار بودند را به هواداری از آلمان و عثمانی ترغیب نمایند و یا حداقل طرف‌داری از انگلستان و روسیه را در میان آن‌ها سست کنند. آنان اگر می‌توانستند، حمایت عشایر را جلب نمایند، به موفقیت بزرگی دست می‌یافتند؛ زیرا از یک‌سو عشایر در آن زمان محدوده و خودمختاری خویش را داشتند و از سوی دیگر، نفراتشان بسیار زیاد و گاهی چندین هزار نفر بود و

در اختیار گذاشتن جنگ افزارهای مدرن آلمانی به آنان، قدرت آن‌ها را از آنی که بود نیز بیش‌تر می‌کرد و آلمانی‌ها نیز، تا جایی که می‌توانستند، به این تجهیزات کمک می‌رساندند. (دیتز، ۱۳۶۷: ۹۶) اما مهم‌ترین تلاش در زمینه ارتباط با ایل قشقایی و بختیاری توسط زایلر، مسؤول تشکیلات آلمانی‌ها در اصفهان صورت گرفت. وی ابتدا با رهبر ایل قشقایی، صولت الدوله، مذاکره کرد و وی اعلام آمادگی کرد که با افرادش بر ضد انگلیسی‌هایی که وارد سرزمین او شوند، مقابله نماید. (نیدر مایر، ۱۳۶۳: ۲۹۴ - ۲۸۹) هم‌کاری با ایل بختیاری نیز، برای آلمانی‌ها امکان‌پذیر بود؛ زیرا یکی از سران بختیاری ضرغام‌السلطنه بود که چون نظر خوبی نسبت به انگلیسی‌ها نداشت، دعوت آلمانی‌ها را پذیرفت و بدون این‌که چشم داشت مادی از آن‌ها داشته باشد، حاضر به هم‌کاری با آن‌ها شد. (ارباب، پیشین: ۱۶۸) در نتیجه‌ی این اتحاد بود که آلمانی‌ها با هم‌کاری ایلات و عشایر منطقه توانستند، منافع انگلستان را در منطقه به خطر اندازند. واسموس آن‌چنان محبوبیتی در میان عشایر منطقه جنوب پیدا کرد که حتی هنگامی که به دلیل نرسیدن تدارکات از سوی آلمانی‌ها، دچار تنگدستی مالی شد از سوی سران ایلات به وی برای پیش‌برد نقشه‌هایش کمک‌های مالی می‌گردید. واسموس در دست خطی بازگرداندن این مبلغ را تضمین کرده است. در بیان میزان وفاداری ایلات و عشایر ایران در این زمینه، ذکر همین نکته کافی است، که زمانی که انگلیسی‌ها برای دست‌گیری واسموس، با انتشار اعلامیه‌های فراوان جایزه‌های کلان تعیین کردند، با این‌که وی برای مردم منطقه به آسانی قابل شناسایی بود، هیچ‌گاه هیچ‌کس حاضر نشد او را به مقامات بریتانیا تحویل دهد و دست‌کم پنجاه هزار لیره را تصاحب کند. (آدمیت، ۱۳۴۱: ج ۵، ۵۳) عشایر غرب ایران نیز توسط شونمان مسلح شده و از طریق وعده‌های مالی و سیاسی به سوی ائتلاف آلمان - عثمانی جلب شدند. در اثر تلاش‌های شونمان در کرمانشاه، جبهه متحدی از سران طوایف و عشایر تشکیل شد. پس از این اتحاد، شونمان توانست، اقتدار قابل ملاحظه‌ای در غرب ایران به دست آورد. (سپهر، ۱۳۳۶: ۲۱۸ - ۲۱۷) در نهایت آلمانی‌ها توانستند، با مسلح کردن ایلات و عشایر و وعده‌های مالی و پاداش‌های نقدی و وعده‌های سیاسی، آنان را به اتحاد با آلمان و درگیری‌های مسلحانه با متفقین تشویق کنند.

پرنس روبیس، وزیرمختار آلمان هنگام ورود به کرمانشاه صد فقره بار به همراه داشته که شامل صد هزار فشنگ و تعدادی تفنگ بوده است که این مساله اعتراض سفیران روس و انگلیس را به دولت ایران به دلیل حمل ۲۰۰ صندوق مهمات توسط وزیرمختار آلمان به همراه داشته است. بر انگلیخت. (همان، ۱۶۵) بنا به گفته‌ی سپهر، حجم این محموله‌ها در حدی بوده است، که آلمانی‌ها می‌توانسته‌اند، در کشور ایران اردویی تشکیل دهند (ارباب، پیشین: ۱۲۴) و یا آلمانی‌های مقیم

کرمانشاه از طریق خاک کلهر مرتب، اسلحه و مهمات وارد کرده و ایلات و روحانیان را به ترک به طرفی برمی‌انگیخته‌اند. (بیات، ۱۳۶۹: ۳۸-۳۹) ابوالقاسم کحال‌زاده، که در این دوران، مترجم سفارت آلمان در تهران بوده، به همکاری خود با عوامل آلمانی در تهیه‌ی تعداد زیاد بمب دستی و ۵۰ صندوق نارنجک در زیرزمین اداره نظامی آلمان در تهران اشاره می‌نماید. (کحال‌زاده، ۱۳۶۳: ۱۰۹-۱۰۷) همچنین در بسیاری از اسناد به موارد فراوانی از ورود محموله‌های تسلیحاتی توسط آلمانی‌ها اشاره شده است. مورخ الدوله سپهر دیگر منشی سفارت آلمان نیز اشارات متعددی به ورود گاری‌های حامل بمب به تهران کرده است. (سپهر، پیشین: ۲۳۹-۲۲۲)

عوامل آلمانی برای گسترش فعالیت‌های شان گروهی از سواران محلی و افراد بومی را که به نواحی مختلف آشنایی داشتند با حقوق کافی به استخدام درمی‌آوردند و حتی از به‌کارگیری اشرار برای تحقق اهداف خود ابایی نداشتند. آلمانی‌ها برای دفع تهدیدات نظامی عوامل متفقین یا مقابله با آن، همواره مسلح حرکت می‌کردند ضمن آن که بسیاری از هواداران ایرانی خود را مسلح و مجهز ساخته بودند. اسناد نشان می‌دهد که کنسول‌گری‌های آلمان همانند کنسول‌گری‌های روسیه و انگلستان که هر یک گارد مرکب از هندی و قزاق بودند، خواستار تشکیل گارد نظامی بودند. (قطبی، ۱۳۷۰: ۱/۱۶۵)

آلمانی‌ها در واقع برای رسیدن به اهداف سیاسی - نظامی خویش اقدام به برقراری ارتباط و استخدام اشرار و راهزنان کردند. در اثر اقدامات «سوگمایر»<sup>۱</sup> در کرمان، کنسول بریتانیا در کرمان گزارش می‌دهد، که سوگمایر، با گردآوری افراد شرور شهر، چنان اقتداری به دست آورده است که حتی سردار ظفر حاکم یزد، از اجرای دستورات دولت برای جلوگیری از اقدامات آلمانی‌ها در منطقه پرهیز دارد. (مابرلی<sup>۲</sup>، ۱۳۶۹: ۱۳۶) اما مهم‌ترین اقدام آلمانی‌ها، در این زمینه به تلاش آن‌ها در برقراری رابطه با نایب حسین خان کاشی سر دسته راهزنان و پسرش ماشاءالله خان باز می‌گردد. سند دیگری در این رابطه نشان می‌دهد، که آلمانی‌ها برای برقراری این ارتباط زمینه چینی لازم را انجام داده بودند. در نامه‌ای، مردم محلات به حکومت اطلاع داده‌اند؛ که آلمانی‌ها از ماه‌ها قبل با اعزام فردی روحانی معروف به علم‌الهدی، به منطقه آمده و ادعا کرده به دستور آلمانی‌ها و شیخ‌الاسلام عثمانی مامور به اتحاد نایب حسین و اهالی منطقه است. (بیات پیشین: ۳۰۴-۳۰۳) مشخص است، که برقراری این رابطه برای آلمانی‌ها، اهمیت زیادی داشت؛ زیرا اولاً نایب حسین خان از کاشان تا جاده‌های سلطان‌آباد - قم، قم - اصفهان، سلطان‌آباد - اصفهان، اصفهان - طبس و اصفهان -

<sup>۱</sup>. Sogmayer

<sup>۲</sup>. Maberli

یزد را که برای عملیات آلمانی‌ها بسیار با اهمیت بود، تحت کنترل داشت و افراد او در حدود هزار مرد مسلح بودند. علاوه بر این‌ها می‌توانست، در هنگام ضرورت امنیت حمل و نقل کاروان‌های روس و انگلیس را به خطر اندازد یا تامین نماید. آلمانی‌ها از طریق تماس‌های شخصی و فرستادن چند نماینده و مبادله نامه با نایب حسین خان تلاش کردند، تا روابط حسنه‌ای با وی برقرار نمایند تا جایی که نایب حسین خان چندین تن از بهترین افرادش را برای حفاظت از کنسول‌گری آلمان در اصفهان فرستاد و خودش نیز از آلمان تقاضای تحت‌الحماگی کرد. (ارباب، پیشین: ۱۷۲)

اسناد فراوانی نشان از استخدام این نیروها و حضور پرتعداد آن‌ها در تمامی عرصه‌های حضور آلمانی‌ها در نواحی و مناطق مختلف ایران دارد. یکی دیگر از اقدامات مهم آلمانی‌ها، در ایران بحث جلب تمایل به مطبوعات بود، زیرا بیش‌تر روزنامه‌نگاران بر اساس تمایل طبیعی خود مخالف روس و انگلیس بودند. «... مطلق روزنامه‌نگاران از همان بدو امر، به طلوع جنگ به هواداری متحدین دل بستند.» (بهار، پیشین: ۱۵) آلمانی‌ها از این تمایل به نفع خود سود جستند و با پرداخت مبلغی نه چندان زیاد، روزنامه‌ها را به خود نزدیک ساختند. (محیط طباطبایی، ۱۳۷۵: ۲۰۵) نگاهی به مطالب و اخبار چاپ شده در مطبوعات آن دوران نشان می‌دهد؛ که اکثریت آن‌ها طرفدار آلمان بوده و به تبلیغ و چاپ مطالب به نفع آن کشور پرداخته‌اند. گزارش جمال‌زاده عضو کمیته ملی‌های وزارت خارجه آلمان در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۱۴ نشان می‌دهد: تمامی روزنامه‌ها، جز رعد و عصر جدید به‌خصوص نوبهار، مدافع الحاق ایران به جبهه دولت‌های مرکز بوده و طرفدار ورود ایران به جنگ علیه روس و انگلیس بوده‌اند. (گرکه، پیشین: ۷۰۵)

یک نمونه‌ی جالب تاریخی، در راستای اعطای پاداش آلمانی‌ها به ایرانیان این بود که ایرانی‌ها عادت نداشتند، که به‌جای طلا و نقره، اسکناس بگیرند. از این‌رو، آلمانی‌ها مجبور بودند بارهای سنگین طلا و نقره را به ایران بیاورند. (لنین، ۱۳۶۸: ۲۶۷) در این زمینه، تنها به دو مورد از ده‌ها نمونه‌ی موجود اشاره می‌نماییم. به‌عنوان مثال، در یک مورد برای تامین پول نقره ایرانی، آلمانی‌ها در بغداد مبلغی برابر ۲۰۰۰/۰۰۰ لیره ترک از ذخیره بانک عثمانی در شعبه بغداد وام گرفتند. (گرکه، پیشین: ۷۰۳)

نمونه‌ی دیگر، مبلغ ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ مارک طلا بود که برای مخارج ژاندارمری در نظر گرفته شده بود، که از مرز عثمانی به ایران وارد گردید (همان: ۷۰۷) که بخشی از آن، شامل ۴۰۰/۰۰۰ مارک برای عملیات هیئت کلاین، یک میلیون مارک برای عملیات ترکستان، ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ مارک برای فعالیت‌های عمومی آلمانی‌ها در ایران بود. (همان) یک رقم انتشار یافته نشان می‌دهد، که کمک آلمانی‌ها، به عشایر ماهانه بر دو میلیون مارک بالغ می‌گردیده است. (دیتز، پیشین: ۹۶)

#### ۴. شیوه تهدید به تنبیه آلمان در ایران

این شیوه، زمانی است، که دولت یا حکومتی به سبب برآورده نشدن مقاصدش، به‌طور صریح یا ضمنی دولت مقابل را به تحریم یا قطع رابطه یا کمک اقتصادی تهدید کند. در این مورد حکومتی صریحاً یا تلویحاً حکومت دیگر را تهدید می‌کند. یکی از اقدامات آلمانی‌ها در این زمان که بر اساس شیوه‌ی تهدید به تنبیه به روش تلویحی بود. این تنبیه آسیب رساندن به خطوط نفتی را شامل می‌شد.<sup>۱</sup> گروهی از عمال آلمان به ریاست «هوبتمن کلاین»<sup>۲</sup> قسمتی از لوله‌های نفتی خوزستان را خراب کردند. (کاووسی عراقی، ۱۳۸۰: ۳۵ - ۳۴) گروه کلاین در ۱۳ مارس ۱۹۱۵ م، برای نابودی لوله‌های نفتی واقع در بالا و پایین شهر اهواز بودند. این افسر در ۲۲ مارس همراه با درجه‌داری به نام «نیلسن»<sup>۳</sup> و شش نفر دیگر، شبانه کاروان را دور زدند و در ۳۰ کیلومتری جنوب اهواز قسمتی از لوله‌ها را منفجر کردند. در ماه آوریل برای بار دوم موفق شدند، لوله‌های نفتی را در قسمتی دیگر، که نزدیک‌تر به اهواز بود منفجر کنند. قبایل عرب منطقه نیز، که از لور آموزش گرفته بودند، در نقاط دیگر دست به اقدامات خراب‌کارانه زدند. به این ترتیب در جریان نفت وقفه‌ای چندماهه پیدا شد. (میروشنکف، ۱۳۵۷: ۳۸)

### ۵. شیوه تنبیه‌های عاری از خشونت آلمان در ایران

در این وضعیت، تهدیدهایی که عاری از خشونت است، به انجام می‌رسد، تا در رفتار حکومت مغلوب تغییر رفتار صورت می‌گیرد. (Calleres, ۱۹۱۹: ۷) اشکال بزرگ این شیوه، آن است که اگر دولت مقابل نیز قدرت‌مند باشد، اقدامات دولت متخاصم بی‌جواب نخواهد ماند و بدین سبب خسارات و ایرادات فراوان به هر دو جانب وارد خواهد شد و دشواری‌های بعدی مشکل را پیچیده‌تر می‌کن؛ اما در صورتی که یک حکومت قدرت‌مند باشد، می‌تواند از این روش به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به منافع خود استفاده کند. تنبیه‌های عاری از خشونت نوعاً عبارت از قطع روابط دیپلماتیک، افزایش تعرفه‌های گمرکی، برقراری تحریم یا قطع رابطه‌ی تجاری، گروگان‌گیری، محاصره، بستن مرزها یا خارج شدن از کنفرانس دیپلماتیک، هستند. یکی از مهم‌ترین اقدامات آلمانی‌ها، در روش تنبیه عاری از خشونت، بحث مصادره‌ی اموال بانک شاهنشاهی و دیگر مراکز مالی متفقین در شهرهای مختلف ایران بود، که پول‌ها و اموال به دست آمده، صرف هزینه‌های اقدامات ستون پنجم آلمان، در ایران می‌شد. یک نمونه‌ی این اقدامات حمله به بانک شاهنشاهی در همدان و مصادره‌ی ۱۳۵/۰۰۰ تومان بود، که به‌منظور پرداخت حقوق ژاندارم‌ها به مصرف رسید. (ارباب، پیشین: ۲۸۳) خسارات این اقدام برای حکومت ایران آن زمان، بسیار سنگین و جبران‌ناپذیر بود.

۱. انگلستان نیز، در این مقوله سهم داشت. از این‌رو، زمینه‌ساز نگرانی‌های انگلستان نیز می‌گردید.

2. Hoptman Kline

3. Nielsen

## ۶. شیوه اعمال زور آلمان در ایران

در انتهای طیفی که تا کنون، درباره‌ی شیوه‌های کاربرد قدرت و نفوذ آلمانی‌ها در ایران بر شمرده‌ایم، شیوه‌ی زور و خشونت نیز، به‌عنوان آخرین شیوه‌ای است، که از زمان‌های گذشته مرسوم بوده است. به‌کارگیری زور و خشونت نه تنها کارآمدترین روش‌ها، بلکه در بسیاری از موارد تنها وسیله‌ای ممکن برای نایل شدن به اهداف مورد نظر بوده است. (Modelski, 1964: 553) آلمانی‌ها برای استفاده از شیوه‌ی زور و خشونت نیاز به تشکیل ساختاری در ایران داشتند، که با کمک آن، فشار و زور را بر حکومت ایران افزایش دهند.

از این‌رو، به‌مین دلیل دست به تشکیل ساختاری تحت عنوان ستون پنجم در ایران زدند، که این تشکیلات طی مقطع زمانی مذکور در ایران قدرت کامل بود؛ برنامه‌ریزی و هدایت عملیات ماموران آلمانی در ایران در جنگ جهانی اول، بر عهده وزارت خارجه آلمان و ستاد کل ارتش آن کشور بود. در وزارت امور خارجه آلمان، امور ایران در دست «بارون لانگورت فون زیمرن»<sup>۱</sup> بود که سمت رییس بخش سیاسی آن وزارت‌خانه را به عهده داشته و امور ایران را بیش‌تر با هم‌کاری «فن و زندونک»<sup>۲</sup> بررسی می‌کرد. وزارت خارجه آلمان، کارهای گوناگون و فعالیت‌های مختلفی را در مرزهای ایران انجام می‌داد؛ ضمن این‌که عملیات زیادی نیز توسط این وزارت‌خانه هدایت می‌شد. واقعیت این بود که هدف بخش بزرگی از عملیات در شرق، تهدید هند بود.

سیاست خاوری آلمان در ایران، با اعزام هیئت‌های افغانستان و کارون آغاز و با اعزام ماموران سیاسی و نظامی در قالب ماموریت‌های مختلف به ایران ادامه و گسترش یافت. ابتدا تصمیم گرفته شد دو هیئت، یکی به سرپرستی «اسکارفن نیدرمایر»<sup>۳</sup> و دیگری، به سرپرستی «فون هنتیگ»<sup>۴</sup>، به‌طور مشترک عازم افغانستان شوند؛ مشکل اصلی در این مرحله، مساله ارتباطات و هماهنگی بود؛ زیرا آلمانی‌ها، در تهران و بوشهر هم کنسول‌گری داشتند؛ اما از آن‌جایی که مسیر عبور آن‌ها تنها، از این دو شهر نبود و نیاز به پشتیبانی و حمایت داشتند، افرادی را به‌عنوان کنسول و کنسول‌یار به شهرهای مهم دیگر و بر سر راه شان مثل اصفهان، شیراز، کرمان و... فرستادند، تا فضای مناسبی را برای عبور هیئت‌ها، فراهم نمایند. بعدها تعدادی از آنان در ایران مانده و به فعالیت‌های خود تا پایان جنگ ادامه دادند و گروهی دیگر همراه نیدرمایر، به افغانستان رفتند. (گرکه، پیشین: ۵۷۸)

<sup>۱</sup> B. langwerth Von Simmern

<sup>۲</sup> Von Wesendonk

<sup>۳</sup> Oskar Ritter Von Niedermayer

<sup>۴</sup> Won Hentig



## ۷. هیئت‌های اعزامی آلمان به ایران

هیئت‌های اعزامی به ایران؛ شامل دسته‌های مختلفی بودند، که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

### ۱.۷. هیئت نیدر مایر

هیئت نیدر مایر، به فرماندهی اسکار فن نیدر مایر،<sup>۱</sup> به ایران آمد. اسکار فن نیدر مایر، در مورد وظایفش در ایران چنین می‌گوید: «در طی اقامت دوماهه در تهران وظیفه اصلی من این بود، که پایگاه‌های خود را در ایران مستقر کنم و مقدمات پیش‌روی به سوی شرق را فراهم کنم، ناچار بودم سیستم خبرگیری مخصوص ایجاد کنم. تجسس، جمع‌آوری اطلاعات، کار تبلیغی، گردآوری اسلحه و مهمات و تنظیم تدارکات، کارهایی بود، که باید انجام می‌گرفت. هم‌چنین عده‌ای را به ترکستان فرستادیم، تا اسیران جنگی آلمانی و اتریشی را آزاد کنند و خراب‌کاری‌هایی انجام دهند.» (نیدر مایر، ۱۳۶۳: ۷۹ - ۷۸) وی علاوه بر این‌ها انجام مذاکرات با عشایر، اختلال در امر انتقال اسلحه توسط متفقین، اقدام علیه بانک‌های انگلیسی و روسی را به شکلی که جنبه‌ی ایرانی داشته باشد، از اهم وظایف خود در ایران معرفی می‌نماید. (همان: ۷۳)

### ۲.۷. هیئت کلاین

فریتس کلاین، وابسته‌ی نظامی سابق آلمان، در ایران بود و ماموریت داشت، یک خط ارتباطی بین بغداد، افغانستان و هند تشکیل دهد، اولین هدف آن‌ها در این مسیر، نابود کردن تاسیسات نفتی انگلیس بین اهواز و آبادان و دومین هدف، جلب نظر مراجع عالی‌قدر شیعه در کربلا و نجف بود، تا اعلام جهاد نمایند. آن‌ها موفق شدند، در نهایت از مجتهدان بزرگ کربلا و نجف اشرف، فتاوی جهاد گرفته و «اشرن روبرت»<sup>۲</sup> آتوانست، از شیخ العراقین، آیت‌الله حایری، فتاوی جهاد برای شیعیان بگیرد. این مجتهد، نامه‌ای برای احمدشاه نوشته و احمدشاه را برای جنگ علیه متفقین تشویق کرد. (همان: ۷۰ - ۶۸)

### ۳.۷. هیئت واسموس

این هیئت، با هدف تحریک ایرانیان به جنگ و برپایی جنبش‌های مردمی و عشایری در جنوب کشور، به ایران وارد شده با شناخت کامل قبلی از وضعیت منطقه و همراه داشتن مقادیر فراوان مارک‌های طلای آلمان، اعلامیه‌های ضد انگلیسی، وسایل فراوان ارتباطی نظیر بی‌سیم، وارد منطقه ماموریت خود شدند.

<sup>۱</sup> .Niedermayer Oskar Von

<sup>۲</sup> . Stem Rubarth

واسموس به دلیل سابقه کنسولی قبلی خود در بوشهر، توانست، از هم‌کاری موثر افراد بومی که در ایراد نطق‌های آتشین برای تهییج و شوراندن مردم مهارت داشتند، بهره فراوان ببرد. (آدمیت، پیشین: ۵۳) شهرت مثال‌زدنی وی نیز به همین دلیل است؛ زیرا موفق به برانگیختن قبایل تنگستانی برای حمله به مقر نمایندگی بریتانیا در بوشهر که سمبل قدرت انگلیس در خلیج فارس به شمار می‌رفت، شد و با این حمله به حیثیت و آبروی انگلیس لطمه‌ای شدید وارد ساخت. (رایت، ۱۳۶۱: ۲۶۶)

#### ۴.۷. هیئت هنتیک

این هیئت، از سوی وزارت خارجه آلمان به ریاست ورنر اتوون هنتیک، به ایران اعزام شد تا با پیوستن به هیئت نیدر مایر در اصفهان راهی افغانستان شود. از دیگر اقدامات آلمانی‌ها، پس از تشکیلات ستون پنجم در ایران که از روش اعمال زور انجام گردید، بحث تصرف کنسول‌گری‌ها و تهدید و ترور مقامات متفقین بود. آلمانی‌ها، تلاش کردند، تا موقعیت اتباع و کنسول‌های متفقین را در شهرها به خطر بیندازند. (ارباب، پیشین: ۱۷۸) از جمله اقدامات هوش‌مندانه ستون پنجم آلمان در ایران که با روش اعمال زور انجام شد، بحث قطع خطوط ارتباطی متفقین از طریق تخریب خطوط تلگرافی بوده است که دشمن را از این ابزار تبلیغاتی مهم محروم کرد. قطع دو خط تلگراف متفقین در جنوب و جنوب شرقی ایران و خط تلگراف بوشهر به تهران و تصرف تلگراف‌خانه‌های انگلستان در شهرهایی چون کرمان و اصفهان و تخریب این خطوط در یزد در همین راستا بوده است. (باست، ۱۳۹۲: ۱۰۰ - ۱۰۱) اقدام موثر بعدی در این زمینه، تاسیس ایستگاه بی‌سیم توسط آلمانی‌ها، در برخی مناطق ایران بود و مهم‌ترین آن در نزدیکی شهر اصفهان و با هدف خبررسانی و انتشار اخبار پیروزی‌های آلمان در جبهه‌های جنگ و تهییج مردم و با مسؤولیت «فاستینگ»<sup>۱</sup> صورت گرفت و نقش بسزایی در عملیات آلمانی‌ها، در سراسر ایران داشت و تشکیلات آلمانی را در امر تبلیغات در شهرهای ایران کمک فراوان کرد تا جایی که حتی روس‌ها و انگلیسی‌ها سعی کردند وی را به قتل برسانند. (ارباب، پیشین: ۱۷۳)

<sup>۱</sup> Fasting

### نتیجه‌گیری

با تاملی به تاریخ قدرت‌های استعماری اروپا در قرون نوزده و بیست میلادی، مشاهده می‌شود که رقابتی بزرگ و قدیمی برای رسیدن به شرق و به خصوص هند در میان آن‌ها وجود داشت. این نکته درباره‌ی آخرین قدرت استعماری اروپا یعنی آلمان نیز صادق است. آلمان پس از بیسمارک دریافت که منبع قدرت و ثروت سرزمین هند است. سیاستمداران آن کشور می‌دانستند، که اگر نیروی مسلمان در شرق میانه، به سمت اتحاد سیاسی و نظامی با یک قدرت اروپایی بگردند، می‌توانند، به قدرتی شکست ناپذیری تبدیل شود. از همین رو ماموران آلمانی در جهت این امر اقداماتی را در سرزمین‌های اسلامی انجام دادند. نتیجه‌ی سیاست‌های انگلیس، در طول سال‌های گذشته نیز باعث استقبال محافل مذهبی مسلمانان از آلمانی‌ها گردیده بود. علاوه بر آن، آلمانی‌ها توسط عوامل خود تلاش بسیاری در نفوذ، در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی ایران کرده و ماموران نظامی آن‌ها در شوراندن برخی ایلات و عشایر دست داشتند. بعد از چهار سال جنگ، زمانی که آلمان و متحدین او شکست را پذیرفتند، طبعاً فعالیت نیروی‌های آن‌ها در ایران و سرزمین‌های مجاور فروکش کرد. با توجه به مطالب بیان شده سوال پژوهش؛ که راه و یا عوامل نفوذ آلمان در ایران چه بوده است؟ می‌توان گفت: نفوذ آلمانی‌ها، در ایران اگرچه در ابتدا با انگیزه‌ی گسترش نفوذ در شرق به خصوص، هند و افغانستان آغاز شد، اما به دنبال ورود به ایران، متفقیین بر آن شدند، که نفوذ خود را در ایران گسترش دهند و با سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلفی به خواسته خود جامعه عمل پیوشانند. آن‌ها از طریق راه‌کارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و به خصوص، نظامی و مذهبی توانستند، بیش‌ترین نفوذ را در ایران، اعمال نمایند؛ گاه با وعده‌ی پاداش، گاه با ترغیب احساسات ملی مذهبی، گاه با تهدید و گاه با اعمال خشونت. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در منابع و با توجه به مبانی نظری پژوهش، مشخص گردید که شیوه‌ی اعطای پاداش از شیوه‌های نفوذ در نظریه نفوذ بیش‌ترین حجم داده پژوهشی را داراست که این بدین معنی است، که آلمانی‌ها در این زمان، سعی کرده‌اند که بیش‌تر به جای اعمال زور و تهدید سخت به سمت تهدید نیمه سخت و نرم بروند و با دادن پاداش‌ها و هزینه‌هایی، نفوذ خود را در ایران تامین کنند. لازم به ذکر است، که پس از این روش، روش پیشنهاد به پاداش در مرتبه بعدی قرار دارد. البته نباید از این مساله هم غافل بود که آلمانی‌ها، هر جا هم که لازم دیده‌اند، از روش اعمال زور استفاده کرده‌اند. مانند تخریب لوله‌های انتقال نفت. پس از روش اعمال زور، روش تنبیه‌های عاری از خشونت که باعث تحت فشار گذاشتن طبقه حاکمه، می‌شده است، هم مورد استفاده قرار گرفت؛ که مصادره اموال بانک شاهنشاهی نمونه‌ی این مورد است. پس از این روش، روش ترغیب و نیز روش تهدید به تنبیه در رتبه‌های بعدی قرار دارند، که در این خصوص هم می‌توان به تلاش و ترغیب آلمانی‌ها، برای انعقاد قرارداد و کشاندن ایران علیه متفقیین اشاره کرد.

## منابع و مأخذ

### الف. منابع فارسی

۱. اتابکی، تورج (۱۳۸۷)، ایران و جنگ جهانی اول، مهمان نبرد قدرت‌های بزرگ، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول.
۲. ارباب، معصومه (۱۳۹۴)، روابط ایران و آلمان در جنگ جهانی اول، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم.
۳. اوکانر، فردریک (۱۳۹۵)، از مشروطه تا جنگ جهانی اول، خاطرات فردریک اوکانر - کنسول انگلیس در فارس، ترجمه حسن زنگنه، تهران، شیرازه کتاب ما.
۴. اخگر، احمد (۱۳۶۶)، زندگی من در طول هفتاد سال تاریخ معاصر ایران، تهران، نشر اخگر، چاپ اول.
۵. افسر، پرویز (۱۳۳۲)، تاریخ ژاندارمری ایران، [بی‌جا] چاپخانه قم، چاپ اول.
۶. بهار، محمدتقی (۱۳۳۳)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، تهران، نشر رنگین.
۷. بهنام، جمشید (۱۳۷۹)، برلینی‌ها، اندیشمندان ایرانی در برلین، تهران، نشر فروزان، چاپ اول.
۸. بیات، کاوه (۱۳۶۹)، (الف) «جنگ جهانی اول در جنوب ایران»، کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد شهادت رییس‌علی دلواری، چاپ اول.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹). (ب)، ایران در جنگ جهانی اول (اسناد وزارت داخله)، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، چاپ اول.
۱۰. تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۶۸)، زندگی طوفانی: خاطرات سید حسن تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول.
۱۱. تروبتسکوی، ولادیمیر ولادیمیروویچ (۱۳۵۸)، نقش قبیله‌های اسکان‌یافته کوچ‌نشین ایران در دوران نوین، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، نشر بیگوند، چاپ اول.
۱۲. دیتز، امان (۱۳۶۷)، بختیاری‌ها، عشایر کوچ‌نشین ایرانی در پویه تاریخ، ترجمه محسن محسنیان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۱۳. دیوان بیگی، رضا علی (۱۳۵۱)، سفر مهاجرت در نخستین جنگ جهانی، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران، چاپ اول.
۱۴. کحال‌زاده، میرزا ابوالقاسم خان (۱۳۶۳)، دیده‌ها و شنیده‌ها، خاطرات میرزا ابوالقاسم خان کحال‌زاده منشی سفارت امپراتوری آلمان در ایران درباره مشکلات ایران در جنگ بین‌المللی، مصحح مرتضی کامران، نشر فرهنگ. چاپ اول.

۱۵. رایت، دنیس (۱۳۶۱)، نقش انگلیس در ایران، ترجمه فرامرز فرامرزی، تهران، انتشارات فرخی.
۱۶. رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۴۱)، دلیران تنگستانی، تهران، انتشارات اقبال، چاپ پنجم.
۱۷. سایکس، سر پرس (۱۳۶۳)، تاریخ ایران، ترجمه محمد تقی فخر گیلانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول.
۱۸. سپهر، احمدعلی (۱۳۳۶). ایران در جنگ بزرگ، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران، چاپ اول.
۱۹. سفیری، فلورا (۱۳۶۴)، پلیس جنوب، ترجمه منصوره اتحادیه و منصوره جعفری، تهران، نشر تاریخ ایران.
۲۰. قائم مقامی، جهان‌گیر (۱۳۲۶)، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با هم‌کاری موسسه فرانکلین.
۲۱. قطبی، بهروز (۱۳۷۰)، اسناد جنگ جهانی در ایران، تهران، نشر قرن، چاپ اول.
۲۲. کاووسی عراقی، محمد حسن و صالحی، نصرالله (۱۳۷۵)، جهادیه: فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول، تهران، انتشارات اسناد وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.
۲۳. گرکه، اولریخ (۱۳۷۷). پیش به سوی شرق: ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صدری، تهران، انتشارات رامین، چاپ اول.
۲۴. گراتوفسکی و دیگران (۱۳۵۸)، تاریخ ایران از باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، انتشارات پیام، چاپ اول.
۲۵. مابریلی، جیمز فردریک (۱۳۶۹)، عملیات در ایران (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴) ترجمه کاوه بیات، تهران، انتشارات رسا، چاپ دوم.
۲۶. محبوب فریمانی، الهه (۱۳۸۲)، اسناد حضور دولت‌های بیگانه در شرق ایران، مشهد، اداره اسناد سازمان کتابخانه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۲۷. ملایی توانی، علیرضا (۱۳۷۶)، ایران و دولت ملی در جنگ جهانی اول، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲۸. میروشنکف، ل. ی (۱۳۵۷). ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه ع دخانیاتی، تهران، انتشارات فرزانه.
۲۹. نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۵)، تاریخ ایران و جهان؛ از مغول تا قاجاریه، تهران، نشر هما.

### ب. مقالات فارسی

۳۰. باست، الیور (۱۳۹۲)، «سالار الدوله و دیپلماسی ایران و آلمان در اوایل جنگ جهانی»، فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی، پاییز، شماره ۱۲.

۳۱. فولادی، محمد، بناکار، رویا (۱۳۹۶)، «شیوه‌ها و شگردهای نفوذ اجتماعی و فرهنگی؛ با تاکید بر نظریه استفاده و خشنودی»، فصل‌نامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال هشتم، شماره ۲.
۳۲. ملایی توانی، علیرضا (۱۳۶۷)، «آلمان‌ها و رخنه در ساختار سیاسی اجتماعی ایران»، فصل‌نامه تاریخ معاصر ایران، پاییز، ش ۳.
۳۳. کاووسی عراقی، محمدحسن (۱۳۸۰)، «نقض بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اولی»، مجموعه مقالات سمینار ایران و جنگ جهانی اول، به کوشش صفا اخوان، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
۳۴. نجف‌زاده، علی و خلیفه، مجتبی (۱۳۹۲). «بررسی آثار فتوای جهاد در عثمانی بر قاینات و سیستان در جنگ جهانی اول»، گنجینه اسناد، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۳ (پیاپی ۹۱).
۳۵. نوذری گرمه خانی، محمد باقر و ناصری، ایرج تنهاتن (۱۳۹۱). «دلایل و بسترهای شکل‌گیری کمیته ملیون ایرانی در برلین»، مجله مطالعات سیاسی، زمستان، شماره پیاپی ۱۸.

#### ج. منابع لاتین

36. Calleres, Francois de, (1919). *On the Manner of Negotiating with Princes*, Trans. A.F. Whyte, Boston: Houghton.
37. Modelski, George, (1964). "Kautilya: Foreign Policy and International System in Ancient Hindu World", *American Political Science Review*, 58
38. ZiyaKara, Ord. Prof.( 1962). Enver, Osmanlı Tarihi (VIII.Cilt), *TÜRK TARİH KURUMU*, Ankara.
39. Analysis of the presence of the Germans in Iran, Germany's hotbed, during the first world war(1914-1918); Influence theory